

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شیراز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان های باستانی

پروسی هر مزد یشت

آوا نویسی، ترجمه، تفسیر، واژه نامه

توسط:

پریسا پورمحمدی



استاد راهنما:

دکتر کتابون نمیرانیان

۱۳۸۵ / ۵ / ۲۸

بهمن ماه ۱۳۸۵

۱۹۱۰۴۵

به نام خدا

بررسی هر مزد یش

آوا نویسی، ترجمه، تفسیر، واژه نامه

به وسیله‌ی:

پریسا پور محمدی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

فرهنگ و زبانهای باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

دکتر کتایون نمیرانیان، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

دکتر گلنار قلعه‌خانی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

دکتر فرخ حاجیانی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

بهمین ماه ۱۳۸۵

اَقْرَبُ لِي بِهِ

روان پاک پدر بزرگ و مادر بزرگم
و پدر و مادر عزیزم

سپاسگزاری

وظیفه خود می دانم، اکنون که این رساله به پایان رسیده است، از زحمات بیدریغ استاد ارجمند سرکار خانم دکتر نمیرانیان که راهنمایی این رساله را بر عهده داشته اند و در تمام مراحل انجام این رساله ضمن راهنمایی های ارزنده تمام مطالب آن را به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند، تشکر می نمایم.

از استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر قلعه خانی که در تمام طول تحصیل، راهنمای اینجانب بوده اند، صمیمانه قدردانی می نمایم.

از استاد گرامی جناب آقای دکتر حاجیانی، که با در اختیار گذاشتن منابع مفید بنده را در انجام این رساله یاری نمودند، سپاسگزارم.

چکیده

بررسی هرمزد یشت

آوا نویسی، ترجمه، تفسیر، واژه نامه

به وسیله‌ی:

پریسا پورمحمدی

این تحقیق بر آن است که از زاویه ای دیگر و با استناد به متنی کهن و ارزشمند و بسیار دلکش عقاید و آرمانهای ایرانیان باستان و چگونگی و نحوه نگرش آنها به جهان را باز شناسد. از دیدگاه اساطیری و سمبولیک این یشت ارزش ویژه ای داشته و در آن مبحث از آفریدگان اهورامزدا و نامهای او شروع می شود و در آن از دعاها و نیایشهای مخصوص اهورامزدا نام برده می شود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه.....
۲	نسخ خطی.....
۳	قسمت‌های مشترک هرمزدیشت با سایر قسمت‌های اوستا.....
۳	تقسیمات هرمزدیشت.....
۵	ترتیب مطالب و خلاصه متن.....
۱۰	اشارات دستوری.....
۱۲	ترجمه‌ها.....
۱۳	درباره هرمزد و هرمزدیشت.....
۲۲	نقش‌های اهورا مزدا در کتیبه‌ها و سکه‌ها.....
۲۴	اهورا مزدا و اسامی خاص.....
۲۶	اهورامزدا و متون مانوی.....
۲۷	اهورامزدا و یونانیان.....
۲۸	اهورامزدا و ارمنستان قدیم.....
۲۸	درباره هرمزدیشت.....
۳۰	شیوه کار.....
۳۲	روش تحقیق.....
	فصل دوم
۳۳	متن اوستایی هرمزدیشت.....
	فصل سوم
۵۰	آوانویسی لاتین

صفحه	عنوان
	فصل چهارم
۵۷	ترجمه فارسی هرمزدیشت
	فصل پنجم
۶۷	توضیح واژه‌های فارسی
	فصل ششم
۱۰۱	توضیح واژه‌های اوستائی
	فصل هفتم
۲۲۴	کتاب نامه
۲۲۷	علائم اختصاری

فصل اول

مقدمه

۱- مقدمه

اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، مرکب است از پنج کتاب یا جزء. اول یسنا که مهمترین قسمت کتاب مقدس است و دارای ۷۲ فصل یا "ها" می باشد و پنج گاتها جزء آن است. دوم ویسپرد که مجموعه ای است از ملحقات یسنا که برای مراسم دینی ترتیب داده شده است و آن مشتمل است بر ۲۴ فصل یا کرده، سوم وندیداد که مطالب عمده آن راجع به قوانین مذهبی است. هر یک از ۲۲ فصل آن را یک فرگرد گویند. چهارم یشتها که سرودهایی در وصف ایزدان است که به تفضیل از آنها صحبت خواهد شد و پنجم خرده اوستا که برای نماز و ادعیه اوقات روز و ایام متبرکه سال و اعیاد مذهبی و ترتیب داده شده است.

بدون استثناء تمام نسخ اوستا دارای هر مزد یشت و سروش یشت میباشد. یشتها که پس از گاهان و هفت ها قدیمترین قسمت اوستا می باشد، سرچشمه یک رشته معلومات بسیار نفیس است راجع به ایران قدیم. کلمه یشت در اوستا به صورت یشتی (- yaštī) آمده است و از ماده کلمه یسنا

(- yasna) می باشد. و در معنی هم با آن یکی است. یعنی ستایش و نیایش و

پرستش و فدیه. یشتن در پهلوی به معنی ستودن و عبادت کردن و فدیه آوردن است.

هریک از یشتهای بزرگ دارای چندین فصل است که آنها را کرده گویند.

اسامی ۲۱ یشت اوستا از این قرار است :

- ۱- هرمزد یشت ۲- هفت تن (امشاسپندان) یشت ۳- اردیبهشت یشت ۴- خرداد یشت
- ۵- اردوسور (آبان = ناهید) یشت ۶- خورشید یشت ۷- ماه یشت ۸- تیشتر (تیر) یشت ۹-
- درواسپ (گوش) یشت ۱۰- مهر یشت ۱۱- سروش یشت ۱۲- رشن یشت ۱۳- فروردین یشت
- ۱۴- بهرام یشت ۱۵- ویو (رام) یشت ۱۶- هوم یشت ۱۷- اشی (ارت) یشت ۱۸- اشتاد یشت
- ۱۹- خره (کیان = زامیاد) یشت ۲۰- دین (چیستا) یشت ۲۱- وند یشت

چنانچه ملاحظه می شود بیشتر این یشت ها دارای اسامی ایزدان است که سی روز ماه نیز دارای اسامی آنهاست. نخستین روز هر ماه که هرمزد می باشد به اسم خداوند است. از میان یشت ها ناهید، تیشتر، مهر، فروردین، ارت و زامیاد یشت های بزرگ نامیده شده اند. در ضمن نام بعضی از یشتها با مضمون آن مطابقت ندارد. مثلاً رام یشت درباره ویو ایزد باد و زامیاد یشت درباره فرکیانی است. از ویژگی های ساختاری یشتها تمرکز یشتها و نیز قرینه سازیها در نقل روایتها و حماسی است. مثلاً جدال تیشتر با دیو اپوش در تیشتر یشت و یا ستیز آتش و آژی دهاک بر سر به دست آوردن فره در زامیاد یشت. یشتها از نظر محتوا دارای ساختمانی خاص هستند. توصیف، مدح و ستایش و به یاری خواندن ایزدی که یشت به او اختصاص داده شده، با ذکر اسطوره ها و حوادثی که آن ایزد در آن نقشی داشته است. داستانهایی که در یشت ها آمده است، غالباً کوتاه هستند، زیرا مخاطبان مضمون آن را می دانسته اند. یشت مورد بررسی هرمزد یشت است که دارای ۳۳ بند است.

نسخ خطی

دستنویس های موجود هرمزد یشت. به موجب گزارش گلدنر چنین است :

در اینجا بخت دیگر بند 6-1) K_{36} . Lb_{16} . $W_{1,2}$. Pd . Mf_3 . $F_{2,1}$

Ml_2 . O_3 . Jm_4 . Mb_1 . 12 . 25 . 11 . 9 . 14 . 8 . Pt_1 . H_2 . 10 .

در پیشگفتار کتاب بزرگ گلدنر مشخصات هر کدام از نسخ فوق به طور مشروح آمده است. در اینجا از نوشتن این مشخصات خود داری می گردد زیرا ذکر آنها موجب طول کلام خواهد شد.

قسمت های مشترک هر مزد یشت با سایر قسمت های اوستا

به طور کلی در سراسر یشت ها به وجوه تشابهی بر می خوریم. در ابتداء و انتهای هر یشت دعاها و نمازهایی می آید که در همه یشت ها یکسان است. اما بجز از آن موارد گاهی دیده می شود که در یک یشت بندی یا قسمتی از یک بند و یا حتی بندهایی وجود دارند که عین آن ها در یشت دیگری نیز آمده است. البته این فقط مخصوص یشت ها به تنهایی نیست و در همه قسمت های اوستا این وجوه تشابه را می توان یافت. برای مثال بند ۳۵ و ۳۶ یشت دهم همانند بند ۶۲ از یشت چهاردهم است. در هر مزد یشت نیز به چنین موارد تشابهی بر می خوریم که به ترتیب از این قرارند:

قسمتی از بند ۸ هر مزد یشت همانند بند ۶ از یسناسی و دو است.

قسمتی از بند ۲۰ مانند بند ۱۶ از یسنا چهل و چهارمی باشد. قسمتی از بند ۲۶ از بند

۱۱ یسنا بیست و هشت گرفته شده و قسمت دیگر آن از بند ۴ یسنا سی است. قسمتی از بند

۳۲ همانند بندهای ۱ و ۲ یسنا بیست و هفت است.

تقسیمات هر مزد یشت

این یشت که اولین یشت از بیست و یک یشت اوستا می باشد به طور کلی به فهرستی از

نامهای اهورامزدا اختصاص داده شده است که پس از برشمردن آن نامها فضائل و معجزات آنها

هم یک به یک شرح داده شده و در پی آنها می آید. زمزمه کردن این نامها حربه در مقابل هر نوع خطری می باشد.

از بند ۱ تا ۶ از اساسی اهورامزدا که به طور کلی مقدس ترین کلام رحمانی و مؤثرترین ادعیه است صحبت می شود.

از بند ۷ تا ۸ اهورامزدا بیست و یک اسم خود را برای زردشت می شمرد، در بند ۸ دوازدهمین نام خود را "اهورا" ذکر می کند و در آخرین این بند گوید بیستمین نام من "مزدا" است.

از بند ۹ تا ۱۱ اثر و خاصیت اسامی فوق بیان می شود.

از بند ۱۲ تا ۱۵ اهورامزدا سی و چهار اسم دیگرش را برای پیغمبرش ذکر می کند.

از بند ۱۶ تا ۲۰ در تأثیر و قوت اسامی خداست.

از بند ۲۰ تا ۲۲ دعا و ستایش است.

قسمت عمده بند ۲۳ نماز معروف "یثا اهوئیریو" می باشد.

از بند ۲۴ تا ۳۲ به مناسبت دگرگونی مطالب چنین به نظر می رسد که متعلق به این

یشت نباشد. این بندها در نسخ قدیمی هم نوشته نشده اند.

در بند ۳۳ دعای معروف "آشم و هو" و سپس سایر ادعیه ای که به طور معمول در

پایان هر یشت می آید آمده است.

همانطور که از خلاصه مطالب بالا پیداست دوبار موضوع اسامی اهورامزدا در این یشت

عنوان می شود، یکبار از بند یک تا یازده و بار دوم از بند دوازده تا نوزده. به طور قطع این یشت

به این منظور تنظیم نیافته است که دوبار و هر بار به طور مجزا در آن این اسامی ذکر شوند؛

احتمال دارد که این شمارش مبهم و نامشخص اسامی اهورامزدا، که از بند دوازده تا پانزده می

آید و چنین نابهنگام سلسله منطقی افکار را می گسلد، به یکی از این دو عامل بستگی داشته

باشد: یا بر اثر داخل شدن این چند بند در متن اصلی باشد و یا فقط به سادگی نتیجه فقدان مهارت ادبی خود نویسنده.

در اوستای گلدنر برای هرمزد یشت ۳۳ بند می آید. در ترجمه آلمانی ولف و نیز ترجمه فارسی پورداوود تعداد بندها، همان سی و سه بند است.

در ترجمه دار مستتر ۲۳ بند آمده و از بند بیست و سه به بعد جزو بهمن یشت آمده است. ترجمه دابار دارای ۳۲ بند می باشد. علاوه بر بند سی و سه که در ترجمه دابار نیست وی بند بیست را هم در ترجمه اش نیاورده است غیر از موارد بالا ترجمه های پهلوی و انگلیسی هرمزد یشت در آخر بند ۲۷ و اول بند ۲۸ با متن اوستایی تطبیق نمی کند.

ترتیب مطالب و خلاصه متن

در بند نخست زردشت از اهورامزدا می خواهد که مؤثرترین و نافذترین کلام مقدس را که در بند دوم سایر مزایای آن می آید برای زردشت بازگو کند. بند دوم سراسر به صفات این کلام مقدس می گذرد. در بند سوم اهورامزدا پاسخ زردشت را چنین می دهد که نام ما امشاسپندان است که دارای آن خصوصیات و معجزات است. یعنی بر دشمنی دیوان و مردمان چیره می شود و شفا بخش ترین است. در بند پنجم زردشت از اهورامزدا می خواهد که وی نام خود را برای او فاش سازد آن نامی که بهترین و زیباترین و برای آخرت رهایی بخش و مؤثرترین است تا بدینوسیله زردشت بتواند بر همه موجودات برتری یابد و همه جادوان و پریان را مغلوب کند.

بندهای هفتم و هشتم سراسر اختصاص به نامهای متعدد اهورامزدا دارد. در بند نهم اهورامزدا زردشت را از نحوه پرستش خود آگاه می کند و به او می گوید که اگر آن مراسم نیایش را انجام دهی من و سروش و فروشی های اشوان بسوی تو می آئیم و تورا یاری و

پشتیبانی می کنیم. در بندهای دهم و یازدهم ضمن نام بردن از دشمن های متعدد از قبیل کوی ها و کرپن ها و بدکرداران دوپا و گرگ های چهار پا و سپاه اهریمنی، اهورا مزدا به زردشت می آموزد که چگونه زمزمه کردن شبانه روزی این اسامی وی را در غلبه نمودن به دشمنان یاد شده یاری می نماید.

در حالیکه چنین استنباط می شود که زردشت از تمامی اسامی اهورامزدا آگاه شده و معجزات و خواص و طرز به کاربردن آن ها را آموخته است و خاتمه بند یازده ما را از این امر مطمئن می سازد، برای بار دوم و ناگهانی و بدون هیچ مقدمه ای از آغاز بند دوازده فهرست دیگری از اسامی اهورامزدا شروع می شود. پاره ای از این نامها در بندهای هفتم و هشتم نیز آمده است. در بند سیزدهم نیز همین وضع تکرار می گردد. به عبارت دیگر بند سیزدهم نیز تلفیقی از نامهایی از اهورامزدا است که برای بار اول می آیند و نامهایی که در بند های پیشین آمده بودند.

بندهای چهارده و پانزده نیز فهرست نامهای اهورامزدا می باشند. اهورامزدا چنین می گوید که سود دهنده هستم، آسایش بخش، آگاه، اشه، دوربین شکست دهنده همه، نفریبنده و سعادت مند باشم.

در بندهای شانزده و هفده توضیح می دهد که کسی که در جهان استومند این نامهای مرا، ای زردشت، خوابیده یا ایستاده، در حال گشودن یا بستن کستی، هنگام دور شدن از گاه و زند و دهیو در شب و در روز زمزمه کند چنین شخصی از خطرات و دشمنی هایی که در بند هجده می آید در امان خواهد بود. نه گرز، نه سلاحهای برنده دیگر که از طرف دیو خشم برای حمله پرتاب می شود نمی توانند به او صدمه رسانند.

بند نوزده معجزات این اسامی را به حد کمال رسانده و می گوید این بیست نام چنان شخص را در مقابل دروغ و ورتی دروند و انگرمینو حفاظت و پشتیبانی می کنند که گویی هزار مرد مراقب یک مرد می باشند.

در بند بیست از اهورامزدا خواسته می شود که آن پیروزمندی را که باید مردم را در پناه خود بگیرد، یعنی آن رَدی که نجات دهنده هستی و منتخب اوست با یک الهام تعیین و معرفی شود.

در بند بیست و یک به فر کیانی، ایرانویچ، سوک، رود دائیتی و اردوی اناهید و سراسر هستی آشو درود فرستاده می شود. و سپس پادعای "یثا اهو وئیریو" و "آشم و هو" این بند پایان می گیرد.

سپس در بند بیست و دو آهونور و اشه و هیشت، قدرت، قوت، نیرو، پیروزی، فر، زور و اهورامزدا را یومندر فرهمند ستوده می شوند. بدنبال این قسمت دعای "ینگه هاتام" می آید. در آغاز بند بیست و سه دعای "یثا اهو وئیریو" دوبار خوانده می شود و دعا کننده از برای اهورامزدا نیایش، ستایش، نیرو و زور خواستار می شود. با خواندن یکبار دعای "آشم و هو" این بند پایان می گیرد.

تا اینجا مطالب و مضمون بندها به دور یک محور کلی و اصلی می گردید که همان نامهای مختلف اهورامزدا و معجزات آن نامها بود. البته باید در نظر داشت که به همراه این مطالب گاهی نابسامانی و بی نظمی و ملحقاتی نیز دیده می شد ولی این خللی به مسیر منطقی افکار و روال معمول کلام دارد نمی ساخت. اما از این قسمت به بعد که بنابه نظر عده ای جزو بهمن یشت است مسیر قبلی کلام به کلی تغییر می کند. مطالب از این قسمت به بعد با قسمت های گذشته رابطه اشان را از دست می دهند. از بند بیست و چهار به بعد نابسامانیهای شدیدی ظاهر می شوند به طوریکه دنبال نمودن هر نوع رابطه معنایی بین بندها غیر ممکن

می‌گردد. فقط در بندهای بیست و هشت و بیست و نه و سی به وضوح از جدال نهایی بین هرمزد و اهریمن و نابودی دیوان سخن رفته است و این سه بند کاملاً از نظر مفاهیم مربوط و به طور مغقول به دنبال یکدیگر می‌آیند.

چون در بهمن یشت به زبان پهلوی نیز از همین موضوع صحبت شده است این سبب گردیده تا از بند بیست و چهارم هرمزد یشت به بعد نیز جزو بهمن یشت به حساب آید و در بسیاری نسخه‌ها هرمزد یشت در آخر بند بیست و سه پایان گیرد.

اگر معتقد باشیم که این شباهت بین آن دسته از بندهای هرمزد یشت، که در بالا نام برده شد، با بهمن یشت پهلوی وجود دارد آنگاه ممکن می‌گردد که بند بیست و ششم هرمزد یشت را مساوی با آغاز بهمن یشت پهلوی بدانیم که در آن به زردشت توسط اهورامزدا پایان جهان نشان داده می‌شود.

در بند بیست و چهار یک نوع راهنمایی در مورد طرفدارانش به زردشت می‌شود. که این باید از جانب اهورامزدا باشد. به زردشت توصیه می‌شود که دوست را از دشمن بدخواه حفظ کند و نگذارد که مردان دیندار صدمه ببینند و یا از دارایی خود بی‌نصیب گردند. از خصوصیات آن دینداران اینکه بزرگترین قربانی و فدیة را به هنگام نیایش به پیشگاه امشاسپندان عرضه می‌دارند و در مقابل آن کمترین نیاز را در خواست می‌کنند.

در بند بیست و پنج اهورامزدا برای زردشت نام امشاسپندان را برشمرده چنین می‌گوید :
ای زردشت اینجا و هومن، اشه و هیشت، خِشْتَر وئیریه، سپندارمذ، هئورتات و آمرتات در خانه من هستند.

در بند بیست و شش همانگونه که قبلاً درباره آن به تفصیل بحث شد، درباره آغاز و انجام هستی سؤال می‌شود. برای آغاز این بند نمی‌توان معنی مشخصی آورد زیرا واژه‌های ابتداء آن مبهم و بی‌ارتباط به هم به نظر می‌رسند. این بند بسیار مختصر و کوتاه است. شاید

به دلیل آنکه معنی آن ناقص به نظر می آید و تمام بند شبیه جمله معترضه ای بیش نیست بتوان چنین اظهار نظر کرد که این بند باقیمانده قسمت بزرگتری بوده که آغاز آن از بین رفته و فقط چند واژه بی ربط و نامفهوم از آن در آغاز این بند باقیمانده است.

به نظر می رسد که بند بیست و هفت نیز دچار آشفتگی های بند پیشین باشد. در قسمت اول آن واژه ها در ارتباط صحیح از نظر قواعد دستوری نمی باشند. در اینجا سپندارمذ فرشته فداکاری نیایش می شود و چنین می آید که با یاری سپندارمذ دیوان را در هم کوبید، دو گوش آنها را، بدرید، دو دست آنها را به هم ببندید؛ سلاح های آنها را در هم شکنید و آنها را در بند و زنجیر کشید.

دوباره به نوع دیگری در بند بیست و هشت ارتباط با بند قبلی گسسته می شود. زردشت در اینجا از مزدا سؤال می کند که آیا آشوبه دروند، سرانجام غلبه خواهد کرد؟ آیا وی دروغ را مغلوب خواهد نمود؟ پس از آن اهورامزدا ستوده می شود، گوش های اهورامزدا ستوده می شود به خاطر شنیدن کلام مقدس، زبان اهورامزدا به خاطر اعلام نمودن کلام مقدس و خرد وی به سبب به خاطر سپردن کلام مقدس. در پایان کوه اوشیدم با زور با ارزش پیشکش شده ستوده می شود زردشت به دیوان هشدار می دهد که من بدینوسیله شما را بداخل زمین می رانم؛ آغاز بند بیست و نه چنین است و بعد در پایان گفته می شود که بدینوسیله دو چشم سپندارمذ فریبکار به زمین زده شد. این نیز مانند بند بیست و شش کوتاه است.

فروهر اسموخوانونت که یکی از نخستین پیروان زردشت می باشد در بند سی ستوده می شود. همچنین فروهر گئوکرنه، درخت مقدس افسانه ای، و فروهر سایر آشوان و اهلوان در این بند ستوده می شوند.

قسمتی از بند بیست و هشت در آغاز بند سی و یک تکرار می شود و پس از آن دعای "اشم و هو" خوانده می شود. قسمتی از بند سی پس از این دعا تکرار می گردد و با سه بار

تکرار آغاز بند ۲۸ و یکبار دعای "اشم و هو" به پایان این قسمت می‌رسیم. بند سی و یک بجز تلفیقی از بندهای ۲۸ و ۳۰ و دعای "اشم و هو" مطلب جدیدی را عنوان نکرده است.

بند سی و دو با ستایش سپندارمذ آغاز می‌شود ولی دنبال کردن معنای این قسمت به علت خراب بودن چند واژه غیر ممکن می‌گردد. به دنبال این بخش راجع به اهورامزدا سخن رفته است. دلیل سرور و رد قرار دادن اهورامزدا این است که به این وسیله انگرمنیو، دیو خشم، دیوان مزنی و همه دیوان و دروندان ورتی نابود شوند تا در نتیجه آن اهورامزدا را یومند فرهمند بلند مرتبه شود، امشاسپندان، ستاره تیشتر، مرد آشوو، و همه مخلوقات اشوی مینوی مقدس بلند مرتبه گردند.

بند سی و سه که از بندهای مفصل این یشت به شمار می‌آید با دعای "اشم و هو" آغاز می‌گردد. پس از آن از مزایایی که به ستایش کنندگان مزدا تعلق می‌گیرد نام برده می‌شود این مزایا عبارت از فر، تندرستی، دوام و پیروزی تن، ثروت بسیار آسایش بخش و فرزندان با کفایت، زندگی طولانی و حیات نورانی سراسر آسایش آشونان می‌باشند. در این میان دو بار دیگر نیز دعای اشم و هو بر زبان جاری می‌شود. قطعه بعدی در ستایش ایزد آمة^۱ خوش اندام، بهرام^۱ اهورا آفریده اوپرتات^۱ پیروزمند، رام^۱ بخشنده چراگاه خوب، وای^۱ ابرکار^۱، ثواش^۱ ابدی، زروان^۱ بیکران و جاودان می‌باشد. آنگاه دعای "اشم و هو" خوانده می‌شود و سرانجام متن هرمزدیشت با دعای "اشم و هو" به پایان می‌رسد.

اشارات دستوری

چون مطالبی از سایر بخش های اوستا به هرمزد یشت افزوده شده است بنابراین صورت و صرف واژه های این یشت آمیژه ای از صورت و صرف واژه های اوستای گاهانی و اوستای جدید است.

۱- تک - پانویس واژه های مزبور در ترجمه فارسی هرمزدیشت .

کاربرد حالات مختلف صرف اسم به جای یکدیگر که مقوله ای است که در یشت ها به طور عموم وجود دارد طبیعتاً در هر مزدیشت هم دیده می شود. به این موارد در واژه نامه اوستایی در موقع خود اشاره شده است.

حالات مختلف صرف اسم می تواند ایفا گر نقش های متفاوتی در زمینه اقسام کلمه باشد. در این مورد نیز توضیحات لازم در واژه نامه اوستایی آمده است. مورد دیگر کاربرد ادات اتصال حروف ربط و ضمائر نسبی در نقش ها و مفاهیم متفاوت می باشد که در این مورد نیز بجای خود توضیح ضروری در واژه نامه آمده است. برای مثال *čī* که از ادات اتصال پیوسته به شمار می رود. با سه نقش مختلف آمده است یکی از نقش های آن تاکید و برجسته کردن قسمتی از جمله می باشد. در نقش دیگریبه عنوان علامت نکره در ترکیب با ضمائر سوالی ونسبی بکار گرفته شده است. و بالاخره در نقش سوم به عنوان حرف ربط و بیشتر غیر قابل ترجمه می باشد.

نکته ای که در این یشت و در سایر بخش های اوستا، شایان توجه است، مضاف الیه های متعددی است که همگی به یک مضاف بر می گردند و گاه سراسریک جمله بلند را اشغال می کند. این امر که در زبان فارسی دری یکی از عیوب نثر و نظم به شمار می رود، در اوستا فراوان به چشم می خورد.

هر مزدیشت نیز مانند دیگر یشت ها دارای کنایات و تشبیهات و استعارات شاعرانه و پیرایه های زیبای شعری است که به شیوه ای پسندیده در سراسر این سرود به چشم می خورد از آن جمله است کاربرد اسامی امشاسپندان و ایزدان با معانی دوگانه آنها یعنی هنگامی که در صورت ظاهر نام امشاسپندی می آید و معنی اسم خاص دارد، معنی اصلی آن اسم خاص نیز نقش مهمی در بیان آن مفهوم و استعاره ایفا می کند. زردشت از جانب اهورامزدا نوید داده می شود که برای یاریش، سروش به پشتیبانی وی می آید سروش که در اصل معنی فرمانبرداری و

اطاعت را می دهد نیز حاکی از این مفهوم می باشد که زردشت برای آنکه به رسالت خویش
جامه عمل ببوشاند به اطاعت و فرمانبرداری احتیاج دارد.

ترجمه ها

کوشش بیش از دو قرن مستشرقین دانشمند و علمای اروپا و به کارگرفتن جمیع
وسایل مانند تفسیر های پهلوی اوستا و کتب عدیده پهلوی و پازند و فارسی و گزارشات کلیه
مورخین قدیم و مورخین پس از استیلای عرب راجع به ایران و دین آن و کلیه کتب مذهبی
برهمنان و مقایسه لغات هند و اروپایی با یکدیگر و جستجو در ادیان مختلف و جمع آوری
عادات و رسوم قدیم که هنوز در میان زردشتیان برقرار است. و کوشش های بسیار دیگری از
این قبیل، موجب پدید آمدن صدها کتاب مفصل و نفیس و مقالات متعدد شده است و زمینه
وسیعی را برای کاوشهای بعدی در آئین مزدیسنی فراهم آورده است: گروهی از مستشرقین
ترجمه هایی از مجموع و یا برخی از یشت ها به دست داده اند. در اینجا به تعدادی از شناخته
ترین آنها که حاوی ترجمه هرمزدیشت نیز می باشند بنا به تاریخ انتشار اشاره می شود. در این
گروه از ترجمه ها نخست ترجمه انکیتل دوپرون جای دارد که در سال ۱۷۷۱ میلادی به انجام
رسیده است، یعنی حدود دو قرن پیش.

این ترجمه (انتیکل دوپرون)^۱ از روی سنت صورت گرفته و از نظر علم اشتقاق کمتر
قابل اعتماد است. دوم ترجمه اشپیگل^۲ می باشد که گرچه از کارهای کهنه به شمار می رود
لیکن به علت یادداشت های عدیده همیشه مفید است. سوم ترجمه ای است از دوهارد^۳ در یک
جلد بسیار بزرگ با توضیحات لازم. این ترجمه کم و بیش تحت نفوذ ترجمه اشپیگل می باشد.

^۱ - Duperron, A.H. Anquetil : Zend-Avesta, Ouvrage de Zoroastre, 3 vol, Paris 1771
^۲ - Spiegel, F : Avesta die heiligen Schriften der Parsen , 3 Bde , Leipzig , 1852-63
^۳ - Harlez , c. de : Avesta , Livre sacré du Zoroastrisme paris 1881 .